



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۵/۱۲

جليل غنی هروی

رتبه های نظامی و اعزازی

چانه زنی ها بین داکتر اشرف غنی و داکتر عبد الله روی تقسیم قدرت هفته هاست دوام دارد با وصف تشدید حملات دهشت افغان طالبان و سایر گروه های دهشت افکن و کشته شدن ده ها نفر در روز به شمول کودکان و زنان و حتی بیماران شفاخانه ها و عزا داران مراسم تدفین قربانیان قربانی این حملات می شوند و از جمله حمله وحشیانه این گروه ها بر شفا خانه ولادی و نسائی دشت برچی بروز سه شنبه که در اثر آن کودکان و مادران بستری این شفاخانه به شهادت رسیدند و یا مراسم تدفین در ننگرهار که ده ها کشته و زخمی بجا گذاشت و ویروس کرونا هم روزانه جان ده ها نفر را می گیرد. ولی رهبران سیاسی چه حکومت است و چه تیم مخالف آن بدون توجه به مسایل امنیتی و شدت چنین حملات و رسیدگی به مصیبت بزرگ صحنی مردم افغانستان، به این چانه زنی ها برای کسب قدرت و چوکی و منافع شخصی و گروهی با خون سردی دوام می دهند و هر روز این جمله بی مفهوم را تکرار می کنند که «این گفت و گو ها به نقاط حساس رسیده است و بزودی موافقتنامه تفاهم سیاسی امضا می شود» از بس این جمله و این دروغ پراگنی ها تکرار شده هیچ کسی نه دیگر باور دارد و نه هم به آن ارزشی قابل است. ملت هر روز فریاد و فغان می کشد که به لحاظ خدا و به پاس خون شهدا و مادران و کودکانی که هر روز قربانی وحشت و دهشت می شوند و روزی نیست که قربانی ندهیم بس کنید این بگو مگو را. ولی شما سیاسیون بی پروا به همه این فغانها و زاری ها و گریه ها و خون گریه کردن های مادران و یتیمان و پدران و برادران و خواهران، برای بدست آوردن چوکی و مقامی بر شطرنج سیاسی تمرکز کرده و تال چال می روید تا یکی دیگری را مات نمائید و مقامی بدست آورید اما این پیاده های این تخته شطرنج مصیبت بار هستند که یک پی دیگری حذف شده می روند. و ایکاش شاه و وزیر درین تخته حفظ گردد ولی هر دو جانب کوشش دارند پیاده دیگری را به خانه شاه یا وزیر از دست رفته برسانند. اینکه حکومت باید مرکب از اقشار مختلف جامعه بر مبنای اهلیت و لیاقت هر یک باشد نه قومیت و زبان و مذهب و منطقه و تبار و عشیر چون همه ای این گروه بندی ها در نهایت باز هم جزئی از مردم افغانستان و ترکیبی از ملت کثیر النژاد افغانستان هستند که از صد ها سال به اینطرف پهلوی هم در صلح و صفا زندگی کرده اند و ملت با تشکیل چنان یک حکومتی حضور ملموس خواهد داشت. اینکه این گروه ها خود را به حیث نمایندگان طبقات و اقشار مختلف ملت افغانستان می خواهند تحمیل نمایند و گویا این ها هستند که از ملت نمایندگی میکنند. یکی از همان ادعا های نا بجا و رو پوشی برای کسب چوکی و قدرت و نمونه بارز دلزده گی ملت از این چهره های تکراری و شناخته شده است. حضور کمترین تعداد اشتراک کننده در تاریخ انتخابات جهان در انتخابات ریاست جمهوری گذشته، مثال بارز آن بوده می تواند. تشکیل حکومتی بر اساس تقسیم کرسی ها بر مبنای قوم، نژاد، مذهب، عرق، نژاد و زبان و منطقه، به معنی نه گفتن به اتحاد مردم، تقسیم اجزای ترکیب کننده یک ملت به گروه های مختلف، صدمه زدن به اتحاد و همبستگی مردم، انکار گروه های تشخیص شده در حکومت از تعلق به منافع ملی و تمرکز نمودن این گروه ها بر منافع قومی، نژادی و مذهبی و زبانی و سمتی و منطقوی است.

داکتر عبد الله و همراهانش برای رسیدن به یک مصالحه و تشکیل حکومت آنچه که «همه شمول» می خوانند طرحی را به داکتر اشرف غنی ارائه داشته اند. تقسیم پنجاه پنجا در کابینه و دفاتر عمده و حتی مجلس سنا و تعیین سفرای خود به معنی تشکیل دولتی در داخل دولت و تقسیم مردم افغانستان به دو قطب جداگانه و تعلق آنها به دو تشکل سیاسی است و در نهایت ناکامی مطلق حکومت در اجرای امور مملکت داری و کار شکنی های دنباله حکومت وحدت ملی است. یکی از خواسته های داکتر عبد الله و هم پیمانانش اعطای رتبه مارشالی به جنرال رشید دوستم است که موجب سر و صدا های در مخالفت با اعطای این عنوان از یکطرف و فشار حامیانش برای اعطای این رتبه از طرف دیگر، که آنرا یک رکن اصلی در هر گونه مصالحه می خوانند، گردیده است. ما کاری به این نداریم که حالا رشید دوستم را به مردم افغانستان معرفی کنیم او قبلاً چه در دوره حکومت حزب دموکراتیک خلق، چه در دوره حکومت تنظیمی و نقش او در جنگهای داخلی و چه در حکومت های بعد از سال ۲۰۰۱ و رویکار شدن میکانیزم جدید دولت داری با کار نامه هایش

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولئ

در هر دوره ای از جریان‌های سیاسی افغانستان در چهل سال اخیر و نقشی که درین جریان‌ها داشته و چه هم در مورد دوسیه‌های اخلاقی او خودش را معرفی نموده و ضرورت به تکرار و یادآوری تلخکامی‌ها در پهلوی همه‌نا بسامانی‌های دیگر و تراژیدی بی‌پایان مردم افغانستان نیست.

اما آیا این رتبه نظامی یک لقب اعزازی است که باید رئیس‌جمهور به پاس گل روی داکتر عبد الله و یا خدمات شایان (!) جنرال رشید دوستم (همین رتبه جنرالی هم خیراتی بوده است) و یا در نتیجه سوابق تحصیلی، خدمات نظامی و طی نمودن مراتب و گذشتن از پله‌های ترفیع در خدمت نظامی و معیارهای دیگری مطابق به مقررات و نظامنامه‌های قوای دفاعی یک کشور به یک شخص نظامی داده می‌شود و صلاحیت اعطای چنین مقامی را کدام مرجع بر روی کدام معیارها و مقررات دارد؟ این سوال‌ها را به جز تحصیل‌یافتگان اکادمی‌های نظامی و آنانی که درین مسلک مقدس کار کرده‌اند کسان دیگری اگر قضاوت و تصمیمی هم بگیرند بر مبنای تعلقات، احساسات، و به خصوص در شرایط امروزی که هر قوم و تبار و عشیره و منطقه و... با در نظر داشت خواستهای شخصی و گروهی موقوف‌گیری میکند، معیارها و اصول و موازینی خواهد بود که در هر نظام اداری و تشکیلاتی باید رعایت گردد.

در مورد اعطای رتبه‌های نظامی و یا رسیدن به چنین مقام‌های بر مبنای سابقه تحصیل و خدمت در خدمات نظامی مطلبی یکی از افغانها سوالی را از جناب علی احمد جلالی مطرح کرده بود. در فیسبوک جناب علی احمد جلالی یکی از سابقه‌داران و تحصیل‌یافتگان اکادمی‌های معتبر نظامی جهان در افغانستان و خارج از کشور و از کارمندان سابقه‌قوای نظامی افغانستان مطالعه کردم که به جواب سوال یکی از خوانندگان صفحه فیسبوک خود نگاشته است. این یادداشت مختصر ولی جامع نه تنها سوال این خواننده را مختصر ولی جواب داده است بلکه چگونگی رسیدن به رتبه مختلف نظامی را نیز بر مبنای معیارها و اصولنامه خدمات نظامی نیز توضیح میدارد که می‌تواند رهنمای خوبی باشد به رهبران نظامی و سیاسی افغانستان با توجه به احکام قانون اساسی و سایر قوانین و مقرراتی که وزارت دفاع افغانستان پیروزی میکند (اگر پیروی کند). توجه شما را به این یادداشت جناب جلالی جلب میکنم

«اخیراً دوست محترمی که خود از افسران سابقه‌دار و نامدار اردوی افغانستان است، از من خواسته ماهیت رتبه‌های نظامی به شمول رتبه جنرالی و مارشالی را از نظر مسلکی توضیح نمایم. نظرات من درین مورد ذیل در چهار فقره خلاصه میگردد و تقدیم به علاقه‌مندان که حوصله خواندن آنرا دارند.

۱. رتبه نظامی افسری (از دریم بریدمن تا جنرال و مارشال) اساساً ممثل دستاورد مسلکی و تجارب نظامی احرازکننده آنست. این رتبه‌ها بدون تحصیلات رسمی و سیستماتیک نظامی و تجارب پیهم در قوای نظامی ماهیت حقوقی ندارد. رتبه‌های نظامی مفهوم خود را از خدمات اردو حاصل میدارد نه در ادارات دیگر. حتی در اکثر کشورها خدمت در پولیس شامل آن نه می‌گردد. این به این مفهوم نیست که رتبه ملکی از اهمیت کمتر برخوردارند بلکه آنها اهمیت و برانزنگی خود را دارند. تعدیل رتبه ملکی به رتبه نظامی در رشته‌های خاص که در بعضی موارد دیده می‌شود صرف بنا به ضرورت میرم در برخی رشته‌های اختصاصی امکان پذیر است اما تعدیل رتبه پس از طی یک دوره تعلیمات اساسی نظامی رسمیت می‌یابد. به خاطر دارم که باری در زمان تحصیل در حربی پوهنتون شاهد تعدیل رتبه یکی از خدمتگاران محترم اردو جناب داکتر صاحب محمد یوسف خان بودم. جناب ایشان آن وقت سر طیب شفاخانه اردو بودند و برای اینکه تعدیل رتبه ایشان قانونی گردد بنا به امر وزارت دفاع ملی روزانه به حربی پوهنتون می‌آمدند لباس تبلیعی عسکری پوشیده و تعلیمات اساسی نظامی را فرا میگرفتند. این روند ماه‌ها ادامه یافت تا آنکه رتبه آن مرد محترم و با وقار به تون جنرالی تعدیل یافت.

اعطای رتبه نظامی به شخصی که شرایط تحصیلات نظامی و خدمت مقتضی در اردو را نداشته باشد حکم رتبه اعزازی را دارد. البته وضع در نظام‌های بسته و نظام‌های پولیسی ازین امر مستثنی بوده‌اند. در چنین نظام‌ها مانند اتحاد شوروی سابق و آلمان نازی برخی ادارات ملکی به شمول پولیس، استخبارات و حتی سارنوالی نیمه نظامی ساخته شده بودند. افغانستان در زمان اشغال اتحاد شوروی نیز ازین سیستم متأثر شده است و میراث آن در نهاد‌های افغانستان حتی تاکنون تا حدی مشهود است.

۲. مدت خدمت در هر رتبه نظامی در کشور‌های جهان یکسان نیست اما تابع یک سلسله نورم‌های مشابه است. به صورت کل رتبه نظامی در اکثر کشورها مشمول ۱۰ درجه میگردد. پایینترین آن دوهم بریدمن و بلندترین آن ستر جنرال است. رتبه مارشال خصوصیت جداگانه دارد که در فقره متعاقب توضیح شده است.

در افغانستان پیش از جنگ مدت اصغری خدمت از دوهم بریدمن تا دگروال ۱۷ سال و تا تون جنرال ۲۴ سال بود. ترفیع به رتبه بلندتر تابع مقتضیات جداگانه بود. ترفیع افسران همچنان مربوط به درجه تحصیل و دوام تعلیمات اختصاصی داخل خدمت در هر رتبه بود (لیسانسه، تحصیلات اختصاصی مسلکی، تحصیلات اختصاصی تکامل مسلکی، ارکان حربی، دفاع ملی). باید یادآوری شود که مشروعیت هر رده تحصیلات مسلکی مربوط به طی نمودن رده قبلی است. در بسی از کشورها ترفیع به رتبه بلندتر مربوط به موجودیت بست می‌باشد و بنابراین مدت اصغری خدمت کمتر یا زیادتر شده میتواند.

۳. مارشال منحصی رتبه نظامی مشخصه واحدی ندارد. در اکثر اردوها مارشال یا معادل آن، رتبه عالیتر از ستر جنرال (جنرال چهار ستاره) است. در امریکا معادل آن جنرال اردو یا جنرال پنج ستاره است که زمانی رتبه آیزنهاور بود.

در سال ۱۹۷۶ به مناسبت دو صدمین سالگرد آزادی آمریکا، کانگرس رتبه‌ی مافوق تری از آنرا بنام "جنرال اردوهای ایالات متحده" تصویب کرد و بنیانگذار کشور جارج واشنگتن را پس از مرگ به این رتبه شش ستاره مفتخر ساخت. در سایر کشورها چنین رتبه‌ی عالی مروج نیست بلکه مارشال یا فیلد مارشال در (بریتانیا)، مارشال فرانسه در (فرانسه) و مارشال فدراتیف روسیه در (روسیه) عالیترین رتبه نظامی اند. در قوای هوایی و بحری رتبه معادل مارشالی عبارتند از مارشال قوای هوایی و ادمیرال (امیرالبحر) قوای بحری.

رتبه‌ی مارشالی به خاطر خدمت فوق العاده مانند پیروزی نظامی در جنگ و یا خدمت منحصر به فرد در ساحة علمی، تخنیک و آموزش مسلکی اعطا میگردد. اکنون در اکثر کشور های بزرگ به شمول ایالات متحده، چین، روسیه و فرانسه مارشال بر حال وجود ندارد. پاکستان فقط یک فیلد مارشال و هند دو فیلد مارشال داشته اند. در کشور های اسلامی مصر دو مارشال بر حال دارد که یکی آن رییس جمهور السیسی و دیگرش مارشال حسین الطنطاوی است.

۴. اما رتبه‌ی مارشال بلا استثنی به عالیترین درجه نظامی اطلاق نمیگردد بلکه در برخی موارد رتبه‌ی مادونتر است. مثلاً در رتبه قوای هوایی بریتانیا و کشور های که از آن پیروی میکنند به شمول هند و پاکستان، نایب مارشال هوایی (ایروایس مارشال) معادل تورنجنرال (دو ستاره)، مارشال هوایی (ایر مارشال) معادل دگر جنرال (سه ستاره)، مارشال ارشد هوایی (چیف ایر مارشال) معادل ستر جنرال (چهار ستاره). و بالاخره مارشال کل قوای هوایی (مارشال آف دی ایر فورس) معادل فیلد مارشال است.

استثنی دیگری را در رتبه اتحاد شوروی پیشین میتوان ملاحظه کرد. در آن سیستم رتبه جنرالی منسوبین صنوف مختلف مافوق تر از دگر جنرال القاب جداگانه داشتند. ستر جنرال قوای پیاده (قوای عمومی -اوبشی و بیسکو وی) عنوان جنرال اردو را داشت در حالیکه منسوبین صنوف (روده ووبسک) مانند توپچی، زره دار، انجنیری، مخابره و دیگران رتبه های مارشال یا مارشال قدمدار صنوف مربوطه خود را داشتند. مثل مارشال یا مارشال قدمدار توپچی، مارشال یا مارشال قدمدار دافع هوا، مارشال یا مارشال قدمدار تانک و قس علی هذا. اما مافوق تر همه، رتبه "مارشال اتحاد شوروی" بود که اکنون به عنوان "مارشال فدیراتیف روسیه" عالیترین رتبه نظامی قوای مسلح روسیه است.»

پایان